

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۰۹ جولای ۲۰۱۵

مجلس سی و هشتم (دربرکت کلمه لاله الاالله)

بامداد روزیکشنه هفتم ماه رجب سال ۵۴۵ هجری قمری، شیخ عبدالقادر (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه چنین فرمودند: پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده اند:

«أَصْنُوا شَيْطَانَكُمْ بِقَوْلِ لَالِهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يُضْنِي بِهَا كَمَا يُضْنِي أَحَدُكُمْ بِعَيْرِهِ بِكَثْرَةِ رُكُوبِهِ وَشَيْئِلِ أَحْمَالِهِ عَلَيْهِ»- (شیاطین نفس خود را به قول لاله الاالله و محمد رسول الله، لاغر کنید، چون شیطان به وسیله آن ضعیف می گردد، همانگونه که یکی از شما شترش را با سواری زیاد و حمل بار سنگین بر او، لاغر و ضعیف می کند).

(یا قوم) شیاطین نفس خود را با اخلاص در قول لاله الاالله لاغر کنید! نه به مجرد لفظ. بدانید که کلمه توحید شیاطین جن و انس را می سوزاند، زیرا این کلمه طیبه برای شیاطین آتش است، و برای مؤمنین نور. چگونه کلمه لاله الاالله را بر زبان می آوری، در حالیکه در قلبت خداهای فراوانی وجود دارند؟ هر آنچیزی که بدان دل بسته ای، و بدان اعتماد و اطمینان داری، آن بت توست. توحید زبان همراه شرک قلب سودی ندارد، طهارت و پاکی بدن، بانجاست درون سودمند نیست، موحد واقعی شیطان اندرونی را لاغر و ضعیف می سازد.

اخلاص عبارت است از گفتار همراه رفتار، چه هرگاه گفتار با رفتار قرین نبود، به سان پوستی است بدون مغز، پوست تنها هم جز برای سوختن ارزش دیگری ندارد.

گفتار مرا بشنو و آنرا به کار بند، چون آتش طمعت را خاموش می سازد، و خارنفت را می شکند. از حاضر شدن درجائی که موجب فروزان شدن آتش نفست می گردد، و خانه دین و ایمانت را می سوزاند و ویران می کند، احتراز کن. آتش هوای نفس زبانه می کشد و به دین و ایمان و ایقانت حمله ورمی شود.

به گفتار منافقین گوش فرامده، اگر چه ظاهر آراسته دارند. ممکن است طبع به گفته های زیبای ظاهر آرامش حاصل کند، ولی بدان که اینگونه کلامها مانند خمیر فطیر، بدون نمک است، که به خورنده آن آسیب می رساند.

دانش را از زبان مردان بگیر، نه از لابه لای کتابها. این مردانی که باید چشم به دهان آنان دوخت و از ایشان علم آموخت کدامند؟ آنان مردان راه حقتند، پرهیزکارانند، تارکان دنیایند، و ارثان انبیاء هستند، و عارفان مخلص.

هر عملی رنگ تقوا نداشته باشد، باطل است. فرمانروائی دنیا و قرب آخرت خاص پرهیزگاران است، بنیان دنیا و آخرت برای ایشان است. خداوند از میان بندگان خود افراد متقی و پرهیزکار و صابرا دوست دارد. اگر دارای تشخیص کامل باشی آنان را می شناسی، و به همنشینی ایشان مایل خواهی شد. وزمانی دارای تفکر و اندیشه درست خواهی شد، که قلبت به نور معرفت الله روشن شود. پس آرام مگیر تا به شناخت کامل برسی، و درهای خیر و برکت برویت باز شود. چشم را از دیدن محرم ببند، و نفس را از شهوات بدوردار، خود را به استفاده از حلال عادت بده، و باطنت را به یاد خدا مشغول

دار، و ظاهرهت رابه رعایت سنت آراسته گردان. در اینصورت آرامش خاطر خواهی یافت، و به نور معرفت منور می شوی، و به رشد عقل و قلب نایل می گردی، اما بدان که نفس و طبع هیچ گونه کرامتی ندارند.

(یاغلام) علم آموز، و اخلاص داشته باش، تا زدام نفاق رهائی یابی. علم را برای رضای خدا بیاموز نه به خاطر دنیا و خلق آن. نشانه علم خدائی، همانا خوف و ترس از خداست، و در برابر او امر و نواهی او تسلیم بودن. در پیشگاه خداوند خود را خوار و ذلیل بدان، و نسبت به مردم نیز فروتن و متواضع باش، اما به خاطر رعایت اصول انسانی نه به خاطر چشمداشت مادی. در مقابل خدا با راستی و صداقت عمل نما، چون عدم صداقت دشمنی با خداست. اتکاء به غیر خدا موجب زوال و نابودی است، و انتظار عطا و بخشش از دیگران سبب حرمان و نومیدی. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «**الْإِيمَانُ نِصْفَانِ، نِصْفٌ صَبْرٌ وَنِصْفٌ شُكْرٌ**». - (ایمان دونیمه است، نیمه ای صبر و نیمه دیگر شکر است). هرگاه بر رنج و زحمت صبر نکردی و بر نعمت شکر ننمودی، مؤمن واقعی نیستی. حقیقت اسلام تسلیم شدن است به خواست خدای عزوجل.

خداوندا! دلهای ما را با توکل بر خود زنده گردان، و به فرمانبرداری از او امرت، بایادت، با موافقت در برابر تمامی خواست هایت، و توحید کامل، جاویدان فرما. اگر مردانی در روی زمین نبودند که دارای چنین دلهایی باشند، هر آینه جملگی هلاک می شدید، زیرا خدای عزوجل عذاب رابه وسیله وجود آنان از مردم برگردانده است.

صورت ظاهری پیغمبری به اتمام رسیده است، ولی معنی آن که همان مردان حق اند، باقی مانده است، و تا روز قیامت دوام خواهد داشت. اگر چنین نبود چگونه همیشه چهل نفر از این مردان حق در روی زمین باید وجود داشته باشند. هر کس در دلش از معانی نبوت فروغی باشد، قلبش به مانند قلب انبیاء است، و خلیفه الله و نائب رسول است، همانگونه که شاگردان نیابت استاد را دارند. روی این اصل پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «**الْعُلَمَاءُ وَرِثَةُ الْأَنْبِيَاءِ**». - (دانشمندان وارثان پیغمبرانند). آنان وارثند، از لحاظ گفتار و رفتار، زیرا گفتار بدون کردار ارزشی ندارد، همانگونه که ادعای بدون گواه به ثبوت نمی رسد.

(یاغلام) لازم است که ملازم کتاب و سنت باشی، و در عمل به آنها و اخلاص کوتاهی نکنی. من علماء را در حال جهل و زاهدان را حریص و طالب دنیا و متوکل به خلق می بینم! خدای رافراموش کرده اند. بدان که اطمینان و اتکاء به خلق موجب لعنت است، پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «**مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ كَانَتْ ثِقَّتُهُ بِمَخْلُوقٍ مِثْلِهِ**». - (ملعون است، ملعون است، کسی که ثقت و اطمینانش به مخلوقی مثل خودش باشد).

وای بر تو! شگفتا! آگاه باش، هرگاه از خلق بریدی و به خالق پیوستی، آنچه را که به سود و زیانت باشد خواهی شناخت، میان آنچه که از آن دیگران است تمیز خواهی داد، و تا زمانی که ذره ای از ریاء و حب دنیا در دل داشته باشی، تحقق این امر غیر ممکن است. هرگاه صبر نداشته باشی، دین و ایمان نداری، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «**الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ، كَالرَّاسِ مِنَ الْجَسَدِ**». - (صبر برای ایمان، به مانند سر است برای جسد) معنی صبر آنست که نزد کس لب به شکوه و شکایت نگشائی، و چنگ در اسباب ظاهر نزنی، به طوری که مسبب رافراموش کنی و همچنین بلاهای وارده را مکره ندانی و در نظرت ناخوشایند نباشند، و زوال آنها را درخواست نکنی.

تومانند رگزی هستی که خون ناپاک و عامل بیماری را از بدن دیگران خارج می کنی، اما در بدن خودت بیماری نهفته است و نمی توانی آن را خارج نمائی. ترا می بینم که علم ظاهری را زیاد می کنی، و جهل باطنی را افزون. در تورات مکتوب است که هر که علمش افزون شد، دردش افزون می گردد، اما این درد کدامست؟ آن خوف خداست، و خود را در پیشگاه او خوار دانستن، و نسبت به دیگران فروتن بودن است، اگر دارای علم نیستی در صدد آموختن آن باش. اگر علم و عمل و اخلاص نداشته باشی و از ادب و حسن ظن نسبت به بزرگان بری باشی، چگونه به چیزی نایل می شوی؟ تو تمام هم خود را صرف دنیا و مال بی ارزش دنیا کرده ای، بزودی میان تو و آنها جدائی خواهد افتاد. تو در کجائی؟ مردان راه

حق، هم و غم خود را در راه مراقبت حق عزوجل قرار داده اند، در ظاهر و باطن جزای حق چیزی ندارند، دلها را از آلودگیها پاک کرده اند، همانگونه که ظاهر را از یلیدیهها پاک نگه می دارند، و در این مقام دیگر از شهوات چیزی در وجود آنان باقی نمی ماند، جز یک علاقه که آنهم قرب خدای عزوجل است، و محبت او.

حکایت کرده اندکه: وقتی در قوم بنی اسرائیل قحطی و سختی پیش آمد، همه به نزد پیغمبر خود رفتند، و درخواست نمودند که به ما خبریده که خدایه چه چیزی از ما خشنود می شود، تا آن را انجا دهیم، که وسیله دفع بلا شود، پیغمبر از حضرت حق پرسید، و به او وحی شد، اگر رضای مرا می خواهند فقراء و مساکین را راضی گردانند، هرگاه آنان راضی بودند، من نیز راضیم و هر وقت ایشان ناراضی باشند، موجب قهر و سخط من می شود. ای عاقل بشنو، تو همواره در صدد آزار فقیرانی، و انتظار داری که خداوند رانسبت به خود فراهم می کنی. اگر خواهان رستگاری هستی، بر این گفتار خشن من صبور و پایداری باش. از گفتار بزرگان و خشنونت آنان نمی گریزی، الا به علت کوری و کوری. اگر آفتی از ایشان بر من نازل شود، من ساکتیم، اما تو توان صبر بر گفتارشان رانداری، و انتظار رستگاری را هم داری. تا زمانی که به مقدرات حق چه به سودت و چه به زیانت باشد. راضی نباشی، هیچ گاه به رستگاری نخواهی رسید، به رستگاری نخواهی رسید، مگر آن که به مصاحبت بزرگان و اولیاء الله با خلوص نیت راغب گردی، و در تمام احوال از اقوال و اعمال آنان پیروی کنی. آنچه رابه تو می گویم فهم کن. و آنرا به کار بر، چون فهم مطلب بدون عمل بدان فاقد ارزش است، و همچنین بدون اخلاص نیز ارزش و اعتباری ندارد. طمع نجاج از عمل بدون اخلاص نداشته باش، اینگونه طمع داشتن بیهوده و میان تهی است. عوام متاع ناروای تورانمی شناسند. صیرفی ماهر آن را می شناسد و دیگران رانیز از آن آگاه می کند، تا از تو گریزان شوند.

اگر صابر بودی از الطاف خداوندی چیزهای شگفتی می دیدی. یوسف علیه السلام چون بر بردگی و زندان و خواری صبر نمود، بزرگواری او ظاهر شد، و به مقام فرمانروائی رسید، از ذلت به عزت از مرگ به زندگی انتقال یافت. همچنین اگر تونیز دستورات شرع را رعایت کنی، و دارای صبر و متانت باشی، بیم و امیدت تنها به خدا باشد و بانفس و شیطان اندرونی به مبارزه برخیزی، از مقام خواری و ذلت، به عزت و رفعت خواهی رسید، آنچه راکه دوست نداری، به آنچه که دوست داری بدل می شود. پس کوشش کن، زیرا در اثر کوشش و مجاهدت می توانی به جائی برسی. هر جوینده ای عاقبت یابنده است. در راه کسب حلال سعی نما، چون لقمه حلال قلب را منور می گرداند، و از تاریکی رهایش می سازد، یار دهنده عقل است تا حق نعم خدا راکه نمی شناسی، بشناسی و شکر و سپاس آنهار به جای آوری، ترا کمک می کند تا تمام نعمت های خداوند را معترف شوی.

(یاغلام) هرکس بادیده یقین مشاهده نمود که خدای عزوجل، بهره تمام موجودات را تعیین کرده است، دیگر از او چیزی (مال دنیا) درخواست نمی کند، و شرم دارد از این که آنچه راکه برایش مقرر شده است باشتاب طلب نماید، بلکه ساکت است و به یاد و ذکر او مشغول. زبان اعراض شکوه و شکایت ندارد، نه کم نه زیاد، بلکه بارعایت حسن ادب به خواست خداوند راضی است، و چشم به دست دیگران ندارد، چون می داند که گدائی باقلب به سان گدائی بازبان است، یعنی هرگاه دردل انتظار کمک دیگری رادشت مثل اینست که به زبان از او درخواست نماید. وای برتو! آزمون رسوائیت ظاهر می شود، و آنچه راکه نهفته بودی آشکار می گردد. و از همه جانب لعن و نفرین ترا فرامی گیرد، اگر عاقل بودی، ذره ای ایمان کسب می کردی که ترابه خدا رساند. پس بیا و با صلحاء مصاحبت کن، و از اقوال و افعال آنان سرمشق بگیر، تا به رشد ایمان و یقین برسی، و خدای عزوجل ترا خاص خود گرداند، و سرپرستیت را عهده دار شود، و اجرای امر و نهی خود را در دلالت شیرین گرداند.

ای بت پرست، بدان که ریاکار، بوی قرب الهی را استشمام نمی کند، نه در دنیا و نه در آخرت.

ای مشرک متکی به خلق، از مردم اعراض و دوری کن. آنان بر هیچ سود و زیانی قادر نیستند، عطا و منعشان بی ارزش است. در حالی که شرک در قلوبت جاگزین شده است مدعی توحید مباش، چه در این حال چیزی در دست نداری.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار» آمین.